

حقوق سیاسی شهروندی در دولت نهم و دهم (احمدی نژاد)

فریبا ترجمان^۱

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور ایلام

مسعود غفاری

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۳۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۶/۱۵)

چکیده

پژوهش حاضر تلاش دارد تا با تأکید بر مدرنیته سیاسی، عملکرد و سیاستگذاری‌های دولت نهم و دهم در حوزه حقوق سیاسی شهروندی را در این دوره زمانی بررسی کند. مدرنیته سیاسی بر تفکیک و تمایز حوزه عمومی و خصوصی، دولت و جامعه و فرد و شهروند تأکید دارد. به رسمیت شناخته شدن این تمایز و تفکیکات به تحدید قدرت دولت، گسترش جامعه مدنی و آزادی‌های سیاسی، حاکمیت قانون و ... منجر می‌شود، که زمینه‌ساز توسعه حقوق سیاسی شهروندی است. این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی صرفاً به بررسی حقوق سیاسی شهروندی که از مؤلفه‌های مدرنیته سیاسی محسوب می‌شود، می‌پردازد. از آنجا که در دولت نهم و دهم شاهد به هم ریختن تمایزات و تفکیکات مورد تأکید مدرنیته سیاسی هستیم، با نوعی اقتدارگرایی، گسترش دخالت دولت، محدود شدن و تضعیف هرچه بیشتر حقوق سیاسی شهروندی مواجهیم. سؤال این پژوهش عبارت است از اینکه سیاستگذاری‌های حقوق سیاسی شهروندی دولت نهم و دهم در حوزه مدرنیته سیاسی چگونه قابل تبیین است؟ فرض ما این است که سیاستگذاری‌های دولت نهم و دهم در جهت تضعیف حقوق سیاسی شهروندی و گسترش جامعه توده‌وار قرار دارد.

واژه‌های کلیدی

جامعه توده‌وار، حقوق سیاسی شهروندی، دولت نهم و دهم، مدرنیته سیاسی.

مقدمه

تحقق حقوق سیاسی شهروندی و آزادی‌های مرتبط با آن از مطالبات همیشگی ملت ایران و زمینه‌ساز قیام‌ها و نهضت‌های سیاسی بوده است که در یکصد سال اخیر در ایران به منصفه ظهور رسیده‌اند. استبداد و خودرأیی پادشاهان قاجار و پهلوی به انقلاب‌های مشروطه و اسلامی با وعده تحقق آزادی و توسعه سیاسی منجر شد، به شکلی که در بطن قوانین اساسی خود درصدد تکوین این دسته از حقوق و آزادی‌های سیاسی برآمدند. این امر می‌توانست زمینه‌ساز تحقق مدرنیته سیاسی در ایران باشد، اما مشروطه به استبداد منجر شد، و انقلاب اسلامی هم، با وجود به رسمیت شناختن این دسته از حقوق، هنوز موفق به تحقق عملی و کامل این دسته از حقوق نشده است. توده مردم ممکن است با انقلاب رژیم غیردموکراتیک را سرنگون کنند، اما تنها رهبران و نخبگان سیاسی با روش و شیوه‌های رهبری خود توان جایگزینی نظام دموکراتیک به جای آن را دارند (بروک، ۱۳۸۳: ۲۲). چنین روندی در بیشتر انقلاب‌ها با نوعی تأخیر همراه است. انقلاب اسلامی هم در این زمینه استثنا نیست، این انقلاب توانست زمینه فروپاشی نهادها و ساختارهای مختلف رژیم پهلوی را فراهم آورد، اما روند کند و نامناسب جایگزینی نهادهای حقوقی جدید در آغاز انقلاب زمینه توده‌وار شدن جامعه را فراهم آورد، در ادامه سعی دولتمردان در حفظ فضای توده‌ای و روحیه انقلابی مردم، جنگ و مقابله با توطئه‌های برون‌مرزی، تعمیق مبارزه با غرب و استکبار جهانی سبب هژمونیک شدن گفتمانی شد که خواهان وجود جامعه توده‌وار بود (دهشیری، ۱۳۷۷: ۴۴۵-۴۴۱). در ادامه انقلاب فضای گفت‌وگو و تضارب اندیشه کم‌کم کاهش و در مقابل اطاعت‌پذیری پرورش بیشتری یافت. با پایان جنگ و روی کار آمدن دولت اصلاحات و تأکید بر توسعه و تحقق آزادی‌های سیاسی و جامعه مدنی امید به تحقق حقوق سیاسی شهروندان امکان بیشتری یافت، اگرچه این حرکت وضعیتی شکننده داشت، اما با انتخاب دولت احمدی‌نژاد نه تنها حقوق سیاسی شهروندان کاهش یافت، بلکه جامعه در وضعیت توده‌واری قرار گرفت.

چارچوب نظری

پژوهش حاضر موضوع مدرنیته سیاسی در دولت نهم و دهم را به‌عنوان مسئله‌ای خاص، در بازه زمانی معین و در کشوری مشخص بررسی می‌کند، به همین دلیل چارچوب تئوریک مشخصی قادر به توضیح ویژگی‌های منحصربه‌فرد موضوع این پژوهش نیست. از آنجا که بیشتر تئوری‌های ارائه‌شده اغلب کلی‌اند، از این‌رو قادر به توضیح و بررسی ویژگی‌های منحصربه‌فرد کشورهای خاص نیستند و در چنین مواقعی اغلب محدودکننده و دارای نقص در زمینه بررسی چنین ویژگی‌هایی هستند و تکثر و تنوع را از پژوهش و پژوهشگر می‌گیرند. بر

این مبنا پژوهش حاضر پژوهشی موردکاو یا کیس استادی است و نیازی به تعیین چارچوب نظری ندارد. روش تحقیق مورد استفاده نیز کیس استادی است که هدف آن برقراری پل ارتباطی بین مطالعات کتابخانه‌ای و اطلاعات زندگی واقعی است (راسل، ۱۹۹۶: ۳۰). این رویکرد به دنبال تشریح، تجزیه و تحلیل و بررسی عمیق، نظام‌یافته و چندوجهی مسئله یا موضوعی محدود و خاص به‌طور عمیق در بستر محیط واقعی (دنسکامب، ۲۰۰۱: ۳۲) و در قالب یک نمونه خاص است، هرچند از داده‌های کمی در این نوع مطالعه استفاده می‌شود، اما غلبه با داده‌ها کیفی است (دنسکامب، ۲۰۰۱: ۳۱). در پژوهش حاضر موضوع مورد بررسی میزان تحقق مدرنیته سیاسی در دولت نهم و دهم است بنابراین ضرورت داشت تا ویژگی‌ها و شاخصه‌های مدرنیته سیاسی، جامعه توده‌ای و حقوق سیاسی شهروندی استخراج شود. به این منظور با بررسی آرای اندیشمندان و نظریه‌پردازان حوزه حقوق سیاسی شهروندی و متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شاخصه‌های حقوق سیاسی شهروندی استخراج شد، در نهایت هم به‌منظور آزمون فرضیه، حقوق سیاسی شهروندی مشترک در قانون اساسی جمهوری اسلامی و مدرنیته سیاسی به‌عنوان شاخص نهایی بررسی وضعیت حقوق سیاسی شهروندی در بستر عملکردی دولت نهم و دهم در نظر گرفته شد که با استفاده از داده‌هایی کمی و کیفی به سنجش آن پرداخته شد. به‌منظور سنجش فرضیه نیز ابتدا به تعریف مفاهیم موجود در فرضیه پرداخته شد تا بتوانیم سازه‌هایی را برای سنجش این مفاهیم استخراج کنیم. سازه‌ها مجموعه‌ای از شاخص‌های هستند که از طریق آنها از مرحله مفهوم به مرحله عینیت و امکان اندازه‌گیری مفاهیم فرضیه نزدیک‌تر می‌شویم.

الف) مدرنیته سیاسی

آنچه انسان معاصر را از انسان قرون گذشته متمایز می‌سازد، هویت شهروندی است. شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها منعکس می‌سازد، چارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها با یکدیگر ارائه و برای دولت مشروعیت قوی ایجاد می‌کند (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۴). ابعاد مختلف حقوق شهروندی پس از تحقق مدرنیته سیاسی در جامعه تحقق می‌یابد (باربیه، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۳). بر این مبنا با سنجش میزان تحقق این دسته از حقوق می‌توان چگونگی تحقق مدرنیته سیاسی را بررسی کرد. مدرنیته سیاسی شکل‌گیری جدایی جامعه مدنی و دولت، پیدایش فردیت و متمایز شدن قلمرو عمومی از پهنه خصوصی است که در آن انسان مدرن دو چهره متفاوت شهروند عضو دولت و فرد عضو جامعه مدنی به خود گرفت (باربیه، ۱۳۸۳: ۱۰). اندیشمندان حوزه مدرنیته سیاسی روسو، لاک، اسپینوزا، منتسکیو، کنستان، برمن، هلد، باربیه، چاندوک، پوچی و ... بر شکل‌گیری این جدایی

و تمایز تأکید دارند (پوچی، ۱۳۷۷: ۱۷؛ باریه، ۱۳۸۳: ۲۱۹؛ 386: Tusalem, 2007) که با تحقق حقوق سیاسی شهروندی پیوندی تنگاتنگ دارد. یکی از عوامل متمایزکننده دولت مدرن از دولت پیشامدرن، شکل‌گیری مدرنیته سیاسی و شهروندی است که در دولت پیشامدرن به دلیل برتری گروه بر فرد وجود نداشت. در دولت مدرن انسان به جزئی از کل فروکاسته نمی‌شود و می‌تواند در قالب شهروند در زندگی سیاسی از کنش سیاسی و در زندگی خصوصی از آزادی‌های شخصی بهره‌مند شود (باریه، ۱۳۸۳: ۱۸-۱۷). شرایط مبتنی بر مدرنیته سیاسی عبارت‌اند از:

دولت مبتنی بر قرارداد اجتماعی؛ تفکیک دولت (اجتماع سیاسی شهروندان) از جامعه مدنی (اجتماع افراد صاحب حقوق و مسئولیت‌های مدنی) و شکل‌گیری فرد- شهروند و حقوق شهروندی - حقوق فردی (باریه، ۱۳۸۳: ۱۹-۱۸)؛ تقویت ساختارها، تمایزات طبقاتی، قشربندی‌های اجتماعی و جلوگیری از فروپاشی آنها؛ ایجاد تشکل‌های متنوع و مستقل صنفی، سیاسی و..... در عرصه جامعه مدنی به‌عنوان واسطه بین دولت و جامعه مدنی؛ تحدید قدرت دولت به‌وسیله قانون و لزوم پاسخگویی و شفافیت آن (افضلی، ۱۳۸۵: ۱۷۵-۱۶۸، ۳۹-۱۶۸)؛ گسترش عقلانیت در رفتارهای اجتماعی و سیاسی مردم، تساهل و تکثر افکار و عقاید؛ حاکمیت قانون؛ شکل‌گیری شبکه‌های همبستگی و فضاهای ارتباطی بهنجار و منسجم بین دولت و جامعه مدنی؛ مشارکت آگاهانه در سیاست؛ التزام به برگزاری انتخابات دوره‌ای براساس رأی شهروندان، رعایت اصل تفکیک قوا؛ مهار دولت با قانون اساسی جهت جلوگیری از خدشه وارد کردن به حقوق فردی و شهروندی (پوچی، ۱۳۸۴: ۱۷-۹؛ 67: Bacharach, 1973). از این‌رو اساس مدرنیته سیاسی بر جامعه مدنی استوار است و در نقطه مقابل جامعه توده‌ای قرار دارد.

ب) شکل‌گیری جامعه توده‌وار

ریشه اصلی شکل‌گیری نظریه جامعه توده‌ای در آرای دورکیم قرار دارد (Durkheim, 1994:63) که گذر از جامعه با همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی و جامعه مدرن را سبب ایجاد سرگشتگی افراد جامعه یا آنومی می‌داند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۵۹؛ کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۱۹۰). هانا آرنت و ویلیام کورنهایزر به‌عنوان تئوری‌پردازان بعدی این نظریه را بسط دادند و وقوع انقلاب را محصول توده‌ای شدن جامعه دانستند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۸۸). اندیشمندان و نظریه‌پردازان حوزه جامعه توده‌وار این نوع جامعه را موجد ویژگی‌هایی زیر دانسته‌اند:

زوال ساختار و قشربندی اجتماعی؛ تضعیف یا فقدان تشکل‌های متنوع و مستقل غیردولتی؛ وجود انسان‌های منزوی و ذره‌ای شده و فاقد ارتباطات بهنجار و منسجم که در معرض ایدئولوژی‌های مروج برابری اجتماعی قرار دارند (گوستایولون، ۱۳۶۰: ۴۲؛ لیپست، ۱۳۸۳: ۵۲۳؛ Arendt,

1951:318)؛ القاپذیری توده‌ای؛ از خودبیگانگی؛ واپس‌گرایی و افول اصول اخلاقی؛ واقع‌گریزی؛ اسطوره‌گرایی؛ دروغ‌پردازی؛ پیش‌بینی‌ناپذیری و عدم قطعیت؛ فقدان شفافیت و پاسخگویی دولت؛ فقدان تساهل و تکرر (آرنت، ۱۳۶۶: ۱۶-۱۷-۶۹؛ بشیریه، ۱۳۸۶: ۳۳۸-۳۳۷: 47, 1962: Shills) دسترسی مستقیم و بی‌واسطهٔ نخبگان و رهبران سیاسی به توده‌های مردم و امکان بسیج آنها، آمادگی برای پذیرش ایدئولوژی‌های امنیت‌بخش و پیدایش جماعت کاذب؛ استقرار سازوکارهای اقتدارگرایانه و سرکوبگر؛ تحدید جامعهٔ مدنی (آرنت، ۱۳۶۶: ۷۵-۴۰؛ کوهن، ۱۳۸۶: ۱۹۷؛ Kornhauser, 1959: 33). عدم التزام دولت به رعایت قانون و تجاوز به حقوق فردی و شهروندی؛ ایجاد بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی نسبت به امور عمومی و قضایای سیاسی؛ تورم و بیکاری؛ سخنوری آتشین و نپذیرفتن خطاهای خود که زمینه‌ساز عوام‌فریبی می‌شود (آرنت، ۱۳۶۶: ۵۶-۵۰).

ج) حقوق سیاسی شهروندی

مارشال، جانوسکی، کاستلز، دیویدسون و کیملیکا حقوق شهروندی را به حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی (Janoski, 1998: 54, & Marshall, 1994: 72) و حقوق فرهنگی (Kymlicka, 1995: 54) تقسیم کرده‌اند^۱، حقوق سیاسی شهروندی به مجموع حقوق و آزادی‌های سیاسی گفته می‌شود که به مردم توانایی مشارکت در زندگی سیاسی، حق انتخاب مقامات دولتی در مناصب دولتی و حق انتخاب شدن را می‌دهد (ZimSitRep, 2016) که شامل مشارکت در حاکمیت، تصدی شغل قضا یا وزارت، حق داشتن امتیاز نشر جراید حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، تشکیل احزاب، انجمن‌ها و اصناف و فعالیت آزادانه در آنهاست (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۷۲۸). همهٔ دولت‌ها اجرای این دسته از حقوق را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تأمین و تضمین کرده‌اند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم این حقوق مورد تأکید و توجه قرار گرفته‌اند (جدول ۱). در چارچوب تئوریک این پژوهش ویژگی‌ها و شاخصه‌های مدرنیتهٔ سیاسی، جامعهٔ توده‌وار و حقوق سیاسی شهروندی مشخص شد، بر این اساس می‌توان با سنجش مؤلفه‌های حقوق سیاسی شهروندی، چگونگی فرایند مدرنیتهٔ سیاسی در دولت نهم و دهم را بررسی کرد.

۱. برای مطالعهٔ بیشتر ر.ک: شهروندی فرهنگی نیک استیونسون، شهروندی کیث فالکس، طبقه و شهروندی مارشال، شهروندی در تاریخ اندیشهٔ غرب ماری گای، شهروندی سیاسی جانوسکی.

جدول ۱. حقوق سیاسی شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (منبع: قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران)

اصول قانون اساسی	حقوق و آزادی‌های مورد تأکید
۲۴	نشریات و مطبوعات در بیان مطالب ازداند مگر آنکه مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند (آزادی بیان)
۱۷۵	در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد (آزادی بیان)
۶ و ۵۶	حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشته اجتماعی خویش حاکم ساخته است هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروه خاصی قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طریق که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌نماید. اداره امور با اتکا به آرا عمومی است (حق رأی و تصدی مسئولیت در سطوح مختلف مدنظر قرار گرفته شده است)
۸	در جمهوری اسلامی دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نیست به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند (نظارت مردم بر دولت و بر یکدیگر)
۲۶	احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده ازداند مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. آزادی فعالیت احزاب، انجمن‌های صنفی و اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده)
۲۷	تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد ازداد است (آزادی تشکیل اجتماعات)
اصل ۶ و ۱۱۴ و ۱۰۰ و ۶۲	در جمهوری اسلامی ایران امور کشور به اتکای آرای عمومی اداره می‌شود از راه انتخابات

تکالیف قانونی دولت در قبال حقوق سیاسی شهروندی: براساس قانون اساسی جمهوری

اسلامی محو استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی و التزام عملی به تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون از تکالیف قانونی دولت به‌شمار می‌رود. آزادی‌های اساسی مردم و حقوق سیاسی شهروندان باید براساس قانون تأمین و تضمین و در کنف حمایت قوه قضاییه قرار بگیرند تا دولت در مقام حفظ اقتدار خود قادر به تعرض به آنها نباشد (هاشمی، ۱۳۸۲: ۲۲۴). براساس این تکالیف قانونی تعیین‌شده برای دولت‌ها در زیر عملکرد دولت نهم و دهم در برخی از این حوزه‌ها بررسی می‌شود.

دولت نهم و دهم و حقوق سیاسی شهروندی: حقوق سیاسی شهروندی آن دسته از

حقوقی‌اند که با تحقق جامعه مدنی و نهادهای آن ارتباطی ناگسستنی دارند (www.shahrokhvaziri.org). هر اندازه این نهادها قوی‌تر باشند، تحقق حقوق سیاسی شهروندی، گذار به مدرنیته سیاسی و دموکراسی ممکن‌تر است. بر این اساس در ادامه وضعیت حق مشارکت سیاسی، حق حزب، حق تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد و عضویت در آنها، حق آزادی بیان در رسانه‌ها و مطبوعات و حق دسترسی آزاد به اطلاعات در رسانه‌های جمعی بررسی می‌شود.

حق تعزب: احزاب مهم‌ترین سازمان‌های سیاسی در دموکراسی‌های معاصر (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۸۶) هستند که برای کسب و حفظ قدرت سیاسی قانونی در درون یک دولت دارای حاکمیت، سازمان یافته‌اند و منافع نیروهای اجتماعی مختلف را بیان می‌کنند (دوژوره، ۱۳۷۶: ۱۵۳) تا رقابت و نبردهای خشن سیاسی برای دستیابی به قدرت و حذف فیزیکی رقبا جای خود را به رقابت مسالمت‌آمیز دهد (دوژوره، ۱۳۷۶: ۷۹). در جوامعی که مدرنیته سیاسی محقق شده، احزاب سیاسی درصددند تا مشارکت سیاسی در اداره امور جامعه خود را سازماندهی کنند و به‌عنوان میانجی میان مردم و دولت می‌کوشند خواسته‌های مردم را به گوش دولتمردان برسانند و با نقد عملکرد دولت درصدد بهبود آن‌اند. در قوانین اساسی نظام‌های دموکراتیک و پارلمانی آزادی احزاب و عضویت در آنها حق اجتناب‌ناپذیر ملت‌ها شناخته شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۶ خود این آزادی را به رسمیت شناخته و فراهم آوردن زمینه‌های لازم به‌منظور تحقق آن در جامعه را از وظایف اساسی دولت‌ها می‌داند. با وجود این یکی از معروف‌ترین اظهارات کارگزاران سیاسی دولت نهم و دهم تأکید بر عدم حمایت احزاب سیاسی کشور از دولت نهم و دهم و عدم تعهد و وام‌داری نسبت به آنهاست. برخی چهره‌های شاخص حامی دولت و وزرای سیاسی کابینه از لزوم تقویت نهادهای مذهبی و انقلابی همچون روحانیت، بسیج، نمازهای جمعه و پایگاه‌های موجود در مساجد به‌عنوان جایگزینی برای احزاب یاد می‌کردند (farzanegan, 2009: 11-16). دولت نهم و دهم منطق واسطه‌گری و وکالت احزاب به‌عنوان حلقه واسطه مردم و دولت را پروژه‌ای ناپسند تلقی می‌کرد و بر حذف آنها در مناسبات دولت و ملت تأکید داشت. احزاب و واسطه‌ها را مرکز فرماندهی غوغاسالاری معرفی می‌کند که باید غیرقانونی اعلام شده و از صحنه سیاست حذف شوند (مرکز پژوهش‌های اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۷: ۱۷)؛ درحالی‌که وجود احزاب متعدد و حزبی شدن انتخابات و رقابت‌های انتخاباتی دولت را به سمت شفافیت و پاسخگویی بیشتر می‌برد. اما در این دولت تلاش برای انحلال احزاب اصلاح‌طلب پس از انتخابات ۱۳۸۸ شدت گرفت. بارها و بارها مسئولان دولتی به انتقاد از مواضع این احزاب پرداختند و بسیاری از سران آنها را بازداشت کردند و دفتر برخی احزاب پلمپ و از فعالیت آنها جلوگیری شد. در مرداد ۱۳۸۸ معاون دادستان تهران جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی را در زمینه اجرای انقلاب مخملی متهم و درخواست انحلال آنها را مطرح کرد (www.alarabiya.net). در ادامه فشار بر احزاب سیاسی مرتضوی معاون سیاسی وزیر کشور در روز ۳۰ مرداد ۱۳۸۹ فعالیت خانه احزاب ایران را غیرقانونی و غیرشرعی اعلام کرد (www.yjc.ir). از سوی دیگر دولت نهم و دهم با استفاده از نقش وزارت کشور به‌عنوان متولی صدور پروانه فعالیت احزاب و نظارت بر عملکرد آنها پروانه تعدادی از احزاب و کانون‌ها را

باطل کرد و از تمدید برخی از آنها ممانعت به عمل آورد تا شاهد کاهش چشمگیر فعالیت احزاب و انجمن‌های صنفی و مردم‌نهاد باشیم. در این دوره فعالیت بسیاری از احزاب غیرقانونی اعلام و با استفاده از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب برخی دیگر به حاشیه رانده شدند (www.yjc.ir). از سال ۱۳۸۵ یارانه احزاب قطع شد (www.khabaronline.ir). در کل از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ تنها ۳۱ تشکل سیاسی و در دوره اصلاحات از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ تعداد ۱۵۹ تشکل سیاسی مجوز دریافت کرده و فعالیت داشته‌اند (www.moi.ir). عملکرد دولت نهم و دهم در این حوزه حکایت از آن دارد که دولت به جای تعامل مدنی با جامعه در قالب احزاب، اصناف و تشکل‌های مردمی، اساس حرکت تعاملی خود را بر استفاده از شیوه‌های مواجهه رودررو با توده‌های جامعه قرار داده است، که نمود بارز نگرش محدودکننده و مخرب دولت به حزب و مدرنیته سیاسی است (farzanegan, 2009: 14).

حق دسترسی آزاد به اطلاعات در مطبوعات: آزادی مطبوعات در راستای تحقق حق آزادی بیان و عقیده قرار دارد. آزادی مطبوعات بخشی از آزادی اطلاعات است که از حقوق بنیادین و رکن چهارم دموکراسی محسوب می‌شود (معتدنا، ۱۳۶۸: ۴۵۹). آزادی مطبوعات شامل آزادی چاپ و نشر، ایجاد مؤسسه انتشاراتی، ممنوع بودن سانسور و کوشش برای جلوگیری از وابستگی مطبوعات به قدرت‌های مالی (و دولتی) است (قاضی، ۱۳۸۱: ۶۶۴). عملکرد دولت نهم و دهم در این حوزه به شکلی است که حکایت از تضعیف این حق سیاسی شهروندی دارد. در این دوره این موضوع در بین مسئولان و دولتمردان مطرح بود که از هیچ روزنامه‌ای شکایت نمی‌کنند و حتی شکایات دولتی را پس می‌گیرند. اما در این دوره مطبوعات به بهانه‌های مختلف توسط هیأت نظارت بر مطبوعات توقیف شدند، بسیاری از مطبوعات که اخبار دولت را منتشر نمی‌کردند، لغو مجوز یا توقیف شدند. جدول ۲ نشان دهنده بخشی از رویکرد مسئولان به این حوزه در دولت‌های نهم و دهم است دوره ای که صفار هرنندی مدعی شده بود هیچ نشریه‌ای توقیف نشده است (aftabnews.ir). در این دوره نشریات متعددی به صورت موقت توقیف شده‌اند یا بارها به آنها تذکر داده شده است.

جدول ۲. برخی از نشریات توقیف شده و لغو مجوز شده در دولت نهم و دهم (منبع: سایت آفتاب)

نام نشریه	تاریخ توقیف	اتهام
هم‌میهن	۸۶	نقص در مراحل محاکمه مدیرمسئول
مدرسه	۸۶	مصاحبه با محمد مجتهد شبستری
زنان	۸۶	اخلال در حقوق عمومی
هفت	۸۷	استناد به تبصره ماده ۱۱ قانون مطبوعات
شهروند امروز	۸۷	غیرواقعی جلوه دادن اقدامات دولت
کارگزاران	۸۷	چاپ بیانیه دفتر تحکیم وحدت
اعتماد ملی	۸۸	پیشگیری از وقوع جرم
فرهنگ آشتی	۸۸	تخلف از مفاد قانون مطبوعات
سرمایه	۸۸	تخلف از مفاد قانون مطبوعات
ایران دخت	۸۸	عدم التزام عملی به قانون اساسی
حیات نو	۸۸	تشویش اذهان عمومی
یاس نو	۸۸	اعاده روند دادرسی
روزگار	۹۰	تبلیغ علیه نظام
مغرب	۹۱	نقض حدود قانون مطبوعات

اما در گزارش‌های رسمی هیأت نظارت اشاره‌ای به آنها نشده است. در دوره محمد جعفرزاده در این سمت ۴۲ تذکر به روزنامه‌ها و نشریات، ۲ لغو مجوز و ۱۷ نشریه توقیف شدند (aftabnews.ir). در مجموع ۳۶ نشریه شامل روزنامه، ماهنامه و فصلنامه توقیف شدند، ۱۲ نشریه و یک خبرگزاری لغو مجوز شد و ۱۰۶ تذکر کتبی به رسانه‌های خبری حاصل کار دولت دهم در حوزه مطبوعات بود (www.irna.ir). در دولت دهم توقیف مطبوعات اغلب به دست نهادهای اجرایی افتاد و هیأت نظارت بر مطبوعات در قالب وزارت ارشاد اقدام به تعطیلی و محدود کردن حوزه عمل آنها می‌کرد. در کل در دولت نهم و دهم، هم تعداد و هم کثرت روزنامه‌ها رو به کاهش نهاد و هم از شمار آنها کاسته شد. پدram پاک‌آیین مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت ارشاد گفت: در حوزه شمار روزنامه‌ها باید روزانه بیش از ۷ میلیون شمار داشته باشیم، درحالی‌که آمار واقعی تیراژ روزانه به زحمت به بیش از ۲ میلیون نسخه می‌رسید (http://cmmagazine.ir). این تنها بخشی از آمار محدودیت‌های ایجادشده در حوزه مطبوعات و رسانه‌های جمعی است، هر جا که به دولت و سیاستگذاری‌های دولت یا به تفکرات مشایی انتقاداتی از سوی رسانه‌ها مطرح می‌شد، به بهانه‌های چون رعایت نکردن قانون مطبوعات یا نشر اکاذیب و شایعه یا به هر بهانه‌ واهی دیگری مانع ادامه فعالیت و حذف آنها می‌شدند. از بین رفتن امکان نظارت مدنی و مردمی از طریق روزنامه، احزاب و رسانه‌ها که می‌توانند فساد، تخلفات و اشتباهات دولت را برملا سازند، یکی از علل افزایش فساد در

دولت نهم و دهم بود. تعداد مجوزهای صادرشده برای نشریات از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ تنها ۱۳۱۸ مورد بوده است که نسبت به دور دوم ریاست جمهوری خاتمی یعنی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ که تعداد مجوزهای صادره ۲۱۲۱ بوده است، کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ هم تعداد ۸۴۵ مجوز صادر شده است (سامانه بانک اطلاعات نشریات کشور). بررسی عملکرد دولت در این حوزه حکایت از تضعیف این حق سیاسی شهروندی دارد.

سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های ذی‌نفوذ و NGO ها: سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های ذی‌نفوذ سازوکارهایی برای مشارکت مردمی در نظام‌های دموکراتیک به‌شمار می‌آیند. رشد تشکل‌های سیاسی و NGO ها می‌تواند به تسهیل مشارکت سیاسی و ارتقا و تقویت مدرنیته سیاسی و دموکراسی بینجامد. این سازمان‌ها با ایفای نقش نظارتی خود و بسیج و جذب افکار عمومی، دولت را وادار به توجه به خواست‌ها و نیازهای شهروندان و پاسخگویی به آنها می‌کند. افزایش تعداد این سازمان‌های غیردولتی به ظهور جوامع مدنی قوی‌تر کمک می‌کند (fisher, 1998: 39). به‌منظور بررسی وضعیت این حق سیاسی شهروندی در دولت نهم و دهم لازم است تا وضعیت کمی و کیفی سازمان‌های غیردولتی یا سمن‌ها به‌طور همزمان مدنظر قرار گیرد، به همین دلیل ضمن بررسی تعداد مجوزهای صادرشده به‌منظور فعالیت سازمان‌های غیردولتی در دولت نهم و دهم به بررسی و تحلیل کارکردهایی که سازمان‌های غیردولتی در دولت نهم و دهم در حوزه تحقق آنها ناکارآمد و ناتوان بوده‌اند، می‌پردازیم تا بهتر بتوانیم وضعیت ایجادشده در دولت نهم و دهم را تشریح کنیم.

شایان ذکر است که تا قبل از سال ۱۳۸۵ نهادها و ارگان‌های مختلفی متولی صدور مجوز برای سازمان‌های غیردولتی بوده‌اند، اما از این سال به بعد تنها وزارت کشور متولی صدور مجوز می‌شود، بنابراین پراکندگی و تعدد سازمان‌های متولی این امر تا قبل از سال مذکور که دربرگیرنده دولت اصلاحات بود، مانعی جهت دستیابی به آمار دقیقی در این حوزه محسوب می‌شد، ازاین‌رو در خصوص این حق سیاسی شهروندی صرفاً بر داده‌های دوره احمدی‌نژاد می‌پردازیم. بررسی داده‌های آماری این حوزه از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ در دولت نهم و دهم احمدی‌نژاد نشان می‌دهد تعداد ۵۹۹۹ مجوز برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی از طریق وزارت کشور صادر شده است، از این تعداد ۲۱۱۷ مجوز مربوط به دولت نهم و تعداد ۳۸۸۲ مجوز مربوط به دولت دهم بوده است (www.moi.ir.portal). اگرچه در این دوره تعداد مجوزهای صادرشده توسط وزارت کشور سیر صعودی داشته و هرساله افزایش شایان توجهی یافته است، اما بی‌اعتقادی به تأثیرگذاری سازمان‌های غیردولتی و گرایش به مدیریت تمرکزگرا در دولت احمدی‌نژاد که اتفاقاً صفت مردمی‌ترین دولت پس از انقلاب را بر خود نهاده است، شرایط را برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی در این دوره به‌اندازه‌ای دشوار کرده است که در

نهایت به حاشیه‌نشینی، انحلال و سرخورده شدن این نهادها در این دولت نهم و دهم منجر شده است. یکی از دلایل کاهش کیفیت و کارایی سازمان‌های غیردولتی در دوره مورد بررسی، شکل نگرفتن رابطه مستمر و سازنده‌ای بین دولت و این سازمان‌ها در حوزه حل مشکلات اجتماعی جامعه است. دولت نهم و دهم در مقابل این گروه‌ها تلاش داشت تا خود را نفوذناپذیر کند و مانع ورود آنها به عرصه سیاست و قدرت شود. به همین دلیل با تصویب طرح نظارت بر سازمان‌های غیردولتی در پی تضعیف و حذف این نهادها و تقویت نهادها و سازمان‌های وابسته به دولت بود، تا تنظیم روابط دولت و مردم صرفاً از طریق نهادهای دولتی و در راستای اهداف دولت صورت گیرد و امکان شکل‌گیری هرگونه نقد و مخالفتی از بین برود. در واکنش به تصویب این طرح سازمان عفو بین‌المللی و عرصه سوم در بیانیه مشترک خود اعلام کردند طرح تأسیس سازمان نظارت بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی ناقوس مرگ جامعه مدنی را در ایران به صدا درآورده است، بنا به گزارش سایت خبری عرصه سوم در تاریخ ۸ آوریل ۲۰۱۱ سازمان‌های غیردولتی ایران در معرض تهدید حیاتی قرار گرفته‌اند، با تصویب این طرح بسیاری از نهادهای مدنی منحل خواهند شد (www.amnesty.org). دولت نهم و دهم با این طرح درصدد قلع و قمع باقیمانده سازمان‌های مستقل از دولت و محدود کردن هرچه بیشتر حوزه فعالیت نهادهای غیردولتی جامعه مدنی و گسترش حوزه فعالیت و قدرت دولت بود. این اقدام خط پایانی بر حق آزادی انجمن‌ها و تشکل‌ها در ایران محسوب می‌شود. این طرح نه تنها نظارت نهادهای مدنی بر قدرت را سلب کرد، بلکه اساساً صورت مسئله را تغییر داد و نهاد قدرت را مسئول نظارت بر عملکرد سازمان‌های مدنی کرد. به این ترتیب سازمان‌های غیردولتی صاحب یک نهاد عالی برای سیاستگذاری می‌شوند که اعضای آن را پنج نماینده دولتی و یک نماینده از سازمان‌های غیردولتی تشکیل می‌دهند. هیأت عالی درباره همه فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد دخالت خواهد کرد و سازمان‌هایی که این دخالت را برنتابند، محکوم به انحلال خواهند شد. هرگونه توزیع اعتبارات و تسهیلات به سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی، هرگونه همکاری آنها با نهادهای مدنی و آژانس‌های خارجی و شرکت اعضای آنها در مجامع بین‌المللی تنها با کسب مجوز از هیأت عالی امکان‌پذیر است (www.amnesty.org). در خصوص گروه‌های فشار هم دولت نهم و دهم با هدف تحت فشار قرار دادن، آنها را با عناوین غیرمعمول مورد خطاب قرار داد. این نحوه برخورد بر کارکرد و وجهه آنها نزد افکار عمومی خدشه وارد کرد، تلاش شد تا به‌عنوان گروه‌هایی فاقد کارایی و مضر به حال جامعه قلمداد شوند. اتصال شبکه‌های قاچاق به صاحبان قدرت و نفوذ و برادران قاچاقچی دو تعبیر جنجال‌آمیز احمدی‌نژاد در ارتباط با گروه‌های فشار بود (www.entekhab.ir). در برخی موارد هم آنها را تهدید به افشاگری می‌کرد، مشکلات و

بحران‌های پیش‌آمده را مستقیماً به این گروه‌ها نسبت می‌داد و با تخریب آنها بر ناتوانی خود در مدیریت و حل مشکلات جامعه (تورم، افزایش قیمت مسکن و سکه و ارز و ...) سرپوش می‌گذاشت.

رسانه‌های غیررسمی (شبکه‌های ماهواره‌ای): امروزه رسانه‌ها در فهرست عناصر قدرت در کنار عواملی مانند اقتصاد، تسلیحات، نیروی انسانی و ... قرار دارند. به دلیل ماهیت و نوع اثرگذاری قدرت رسانه‌ها (قدرت نرم) و پیشرفت فناوریانه در دو دهه گذشته شاهد حضور همه جایی مجازی رسانه‌ها هستیم (ضیایی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۲۶). در عصر حاضر تسلط بر رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها قدرت عظیم و فوق‌العاده‌ای را در اختیار دولت قرار داده است، به گونه‌ای که با به‌کارگیری اهرم‌های خبری و اطلاعاتی توانسته‌اند به تغییر باورها و نگرش‌های جمعی یا شکل‌دهی به افکار عمومی اقدام کنند. سوءاستفاده‌های دولت از ظرفیت‌های بالای رسانه‌ای می‌تواند به استبداد اطلاعاتی منجر شود (باشگاه خبرنگاران جوان). متأسفانه در دولت نهم و دهم به دلیل سلطه دولت بر رسانه‌های عمومی و تبدیل آنها به ابزار تبلیغاتی دولت جهت شکل دادن به افکار عمومی و سلطه بر جامعه بیشتر شد، این امر سبب از بین رفتن کارکردهای شفاف‌سازی، رشد آگاهی مردم و نقد عملکرد دولت و بیان واقعیات بدون سانسور شد. همین ضعف و کاستی‌های رسانه ملی سبب شد مردم به جای اعتماد به رسانه ملی داخلی خلأ ایجادشده را با گرایش به سمت رسانه‌های غیررسمی (ماهواره) پر کنند که فرصت لازم برای هدایت افکار عمومی توسط این رسانه‌ها فراهم آمد. تنها طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ تعداد شبکه‌های ماهواره‌ای که برنامه‌هایی با موضوعات سیاسی و علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت داشتند، از ۴ شبکه به ۳۷ شبکه افزایش یافت. در همین دوره تأسیس و فعالیت شبکه‌های ماهواره برای پخش فیلم افزایش چشمگیری داشت (www.seratnews.ir). بسیاری از این شبکه‌ها در مواقع لازم کارکرد سیاسی پیدا می‌کردند. در این دوره شبکه‌هایی چون فارسی وان، شو تایم، ام. بی. سی فارسی، تی وی پرشیا، ایران اف. ام، آوا، من و تو، زمزم و ... هستیم این تنها بخشی از شبکه‌های تأسیس شده در این دوره است (www.parsnews.com).

حق مشارکت در انتخابات (حق انتخاب کردن و انتخاب شدن): تحقق مشارکت سیاسی

به معنای جواز دخالت افراد و گروه‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و امکان تأثیرگذاری آنها بر نظام سیاسی و سیاستگذاری است (اخوان کاظمی، ۱۳۷۷: ۵۲). انتخابات یکی از طرق تبلور مشارکت سیاسی و از سطوح اولیه آن محسوب می‌شود. برگزاری انتخابات و میزان بالای مشارکت در آن به‌تنهایی نمی‌تواند دموکراتیک بودن یک نظام سیاسی را نشان دهد. آنجا که این دسته از حقوق سیاسی شهروندی بیشتر در قالب انتخابات تجلی می‌یابند، جهت نشان دادن وضعیت حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن در دولت نهم و دهم به ترتیب

تعداد داوطلبان کاندیداتوری، تعداد رد صلاحیت‌شدگان و تعداد آرای مأخوذه یا میزان مشارکت مردم در انتخابات (ریاست جمهوری، خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا) برگزار شده در دولت نهم و دهم بررسی و تحلیل شد.

داده‌های مربوط به حق انتخاب کردن نشان می‌دهد انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری که ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ برگزار شد، از ۴۶۷۸۶۴۱۸ نفر واجد شرایط ۲۹۴۰۰۸۵۷ نفر در انتخابات شرکت داشتند که معادل ۸۴/۶۲ درصد واجدین شرایط بود. در دور دوم انتخابات در رقابت بین احمدی‌نژاد و هاشمی رفسنجانی که در ۲۳ تیر با پیروزی احمدی‌نژاد به پایان رسید، از ۴۶۷۸۴۴۸ نفر واجد شرایط تعداد ۲۷۹۵۸۹۳۱ نفر در انتخابات شرکت داشتند که مشارکت ۷۶/۵۹ درصدی را نشان می‌دهد. انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری با ۴۶۱۹۹۹۹۷ نفر واجد شرایط که از این تعداد ۳۹۳۹۹۹۳۷ نفر رأی خود را به صندوق ریختند که طبق گزارش‌های وزیر کشور ۸۲ درصد واجدین شرایط در رأی‌گیری شرکت داشتند (سایت وزارت کشور. www.moi.ir). انتخابات مجلس خبرگان رهبری چهارمین دوره این انتخابات که با برگزاری انتخابات دوره سوم شوراهای اسلامی شهر و روستا همزمان بود، با حضور حدود ۲۸ میلیون و سیصد هزار نفر در این انتخابات از کل واجدین شرایط حدود ۴۳ میلیون نفر مشارکت داشتند، میزان مشارکت براساس گزارش وزارت کشور ۶۱ درصد اعلام شد. انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در ۲۴ آذرماه ۱۳۸۵ در سراسر کشور سه ماه زودتر از موعد مقرر و همزمان با انتخابات مجلس خبرگان رهبری، با حضور ۲۸۱۹۹۹۰۲ نفر از حدود ۴۳ میلیون نفر واجد شرایط رأی دادن برگزار شد که میزان مشارکت مردم در آن به ۶۵ درصد رسید. چهارمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در دوره احمدی‌نژاد با سه سال تأخیر برگزار شد. در دولت نهم و دهم مشارکت به لحاظ بعد پهناوری رشد بالای را نشان می‌دهد، اما مشارکت در سطوح میانی و بالا (فعالیت رسانه‌ها و مطبوعات، تشکل‌ها و احزاب و ...) در این دوره بسیار محدود و تضعیف شده است که نشان‌دهنده کاهش برد و ژرفای مشارکت است در واقع با مبنا قرار دادن این سه سطح از مشارکت می‌توان گفت که سطح مشارکت شهروندان در اداره امور جامعه، تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های دولت و کنترل و نظارت بر آن بسیار پایین است و دولت به شکل لجام‌گسیخته‌ای حوزه فعالیت و قدرت خود را افزایش داده است. در عین حال که شاهد افزایش مشارکت سیاسی از نوع شرکت در انتخابات و به‌نوعی فرهنگ سیاسی مشارکتی اما از نوع فرهنگ سیاسی تبعی، احساسی و توده‌ای هستیم، درحالی‌که ضروری‌ترین نیاز جوامع امروزی غنی‌تر کردن کیفیت مشارکت است نه پهناوری آن. از سوی دیگر داده‌های مربوط به حق انتخاب شدن نشان می‌دهد در انتخابات ریاست جمهوری که به‌مثابه گذشته کماکان دامنه این حق سیاسی محدود مانده است،

بررسی این دوره نشان می‌دهد این حق سیاسی نسبت به دوره‌های قبل باز محدودتر شده است. در سال ۱۳۷۶ در هفتمین دوره ریاست جمهوری از بین ۲۳۸ داوطلب تنها ۴ نفر تأیید صلاحیت شدند که نشان می‌دهد ۹۸/۳۲ درصد رد صلاحیت و ۱/۶۸ درصد تأیید صلاحیت وجود داشته است، در هشتمین دوره در سال ۱۳۸۰ از بین ۸۱۴ داوطلب تنها ۱۰ داوطلب تأیید صلاحیت شدند که نشان می‌دهد ۹۸/۷۸ درصد رد صلاحیت و ۱/۲۲ درصد تأیید صلاحیت شدند. در نهمین دوره در سال ۱۳۸۴ از بین ۱۰۱۴ داوطلب تنها ۸ داوطلب تأیید صلاحیت شدند، ۹۹/۲۲ درصد رد صلاحیت و ۰/۷۸ درصد تأیید صلاحیت و در دهمین دوره در سال ۱۳۸۸ از بین ۴۷۶ داوطلب تنها ۴ داوطلب تأیید صلاحیت شدند، که نشان می‌دهد ۹۹/۱۳ درصد رد صلاحیت و ۰/۸۴ تأیید صلاحیت شدند. بررسی‌ها نشان داد دامنه استفاده از این حق سیاسی شهروندی همواره بسیار محدود و بسته بوده است. روند رد صلاحیت‌ها نسبت به هفتمین و هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری افزایش نسبی داشت. تحلیل‌ها نشان داد حق انتخاب شدن در نهمین و دهمین دوره با تأکید صرف بر تعداد داوطلبان افزایش داشته است، اما با لحاظ کردن رد صلاحیت‌ها درست به نتیجه عکس آن می‌رسیم. در کل حق انتخاب کردن گسترش یافته، اما حق انتخاب شدن کاهش یافته است. در زمینه انتخابات خبرگان رهبری در اولین دوره در ۱۳۶۱ از ۱۶۸ نفر داوطلب ۱۵۶ نفر (۹۲/۸۵ درصد)، تأیید صلاحیت و تعداد ۱۲ نفر (۷/۱۴ درصد) رد صلاحیت شده‌اند. در دومین دوره در ۱۳۶۹ از ۱۸۰ داوطلب ۱۱۸ نفر (۶۵/۵۵ درصد) تأیید صلاحیت شدند و (۶۲ نفر (۳۴/۴۴ درصد) رد صلاحیت شدند. در سومین دوره انتخابات خبرگان که در سال ۱۳۷۷ برگزار شد، از ۲۱۴ نفر داوطلب ۱۸۲ نفر (۴۵/۹۵ درصد) تأیید صلاحیت و ۲۱۴ نفر (۵۴/۰۴ درصد) رد صلاحیت شدند. در چهارمین دوره که سال ۱۳۸۵ برگزار شد، از ۴۹۳ داوطلب ۴۰۷ داوطلب (۸۲/۵۵ درصد) تأیید و ۸۳ نفر (۱۷/۴۴ درصد) رد صلاحیت شدند. بررسی‌ها نشان داد از ابتدا تا دوره چهارم تعداد داوطلبان سیر صعودی داشته و در چهارمین انتخابات خبرگان که در دولت احمدی‌نژاد برگزار شده است، نسبت به دوره‌های گذشته شاهد کاهش رد صلاحیت‌ها و افزایش میزان تأیید صلاحیت‌ها هستیم، بنابراین در این دوره دامنه حق انتخاب شدن گسترش یافته است. در انتخابات مجلس شورای اسلامی تحلیل داده‌ها نشان داد از ششمین تا هفتمین دوره تعداد داوطلبان از ۶۸۵۳ نفر به ۸۱۷۲ نفر رسیده و شاهد افزایش تعداد داوطلبان هستیم، اما در هشتمین و نهمین دوره که در دولت احمدی‌نژاد برگزار شد، تعداد داوطلبان از ۷۶۰۰ نفر به ۵۲۸۳ نفر رسید و سیر نزولی داشت. میزان تأیید و رد صلاحیت‌ها هم از ۳۲/۹۰ درصد به ۳۷/۵۰ درصد افزایش داشته و درصد تأیید صلاحیت‌ها هم از ۶۷/۹۰ درصد به ۶۲/۴۹ درصد کاهش یافته است. بنابراین در این نوع انتخابات از دامنه حق انتخاب شدن کاسته شده است.

در زمینه انتخابات شوراهای شهر و روستا هم بررسی‌ها نشان داد تعداد داوطلبان ثبت‌نامی در سومین و چهارمین دوره که در دوره احمدی‌نژاد برگزار شده، افزایش چشمگیری داشته و به ترتیب به ۲۴۷۷۵۹ و ۲۶۵۹۲۷ رسیده و تأیید صلاحیت‌ها هم افزایش یافته است (www.moi.ir).

در نهایت تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد حق انتخاب شدن در دولت نهم و دهم تضعیف شده، اما حق انتخاب کردن (رای دادن) به واسطه افزایش میزان مشارکت در انتخابات تقویت شده است. در واقع عدم احراز صلاحیت‌ها و به‌نحوی رد صلاحیت‌ها در هر انتخاباتی تأثیر خود را برجای می‌نهد، به شکلی که در هر دوره‌ای براساس فضای سیاسی حاکم بسیاری از نیروهای سیاسی جامعه که با دولت حاکم و گرایش‌های سیاسی نظام سیاسی همخوانی ندارند، به حاشیه رانده می‌شوند. چنانکه در دولت نهم و دهم هم شاهد انزوای سیاسی و رد صلاحیت گروه‌های اصلاح‌طلب هستیم که وقایع انتخابات ۱۳۸۸ تأثیر چشمگیری بر آن نهاد. در واقع فضای رقابت انتخاباتی نشان می‌دهد که همواره از فراگیری و شمولیت آن کاسته شده است.

نتیجه‌گیری

احمدی‌نژاد با شعارهای پوپولیستی خود توده‌های مردم را با خود همراه و مشروعیت اقدامات خود را از طریق بسیج آنها اخذ کرد و به بهانه دفاع از حقوق توده‌ها به حذف و سانسور مطبوعات، رسانه‌ها، تشکل‌های مردم‌نهاد و احزاب منتقد خود و مخدوش کردن حقوق سیاسی شهروندی پرداخت. به‌نحوی که نهادهای جامعه مدنی به‌عنوان ابزار کنترل ساخت سیاسی، دچار نوعی وارونگی کارکردی شده و به ابزار کنترل ساخت سیاسی بر ساخت اجتماعی و مدنی جامعه تبدیل شدند، دولت به شیوه‌ای خاص به وسیله آنها طرح خود برای استیلای بر جامعه را ممکن می‌ساخت. بدین‌سان نهادهای جامعه مدنی به ابزارهای مهندسی اجتماعی دولت تبدیل شدند. وجوه سه‌گانه این مهندسی اجتماعی در دولت نهم و دهم را می‌توان در ارتباط با تضعیف طبقات نیرومند اجتماعی (طبقه متوسطه)؛ خرید حمایت طبقات پایین و توده مردم و دستکاری در ساختار جامعه مدنی و نهادهای آن در جهت حذف و تضعیف آنها مشاهده کرد که به تقویت وجوه اقتدارگرایی دولت منجر شد. دولت با دستکاری در مناسبات ساخت اجتماعی و سیاسی جامعه موجب از میان رفتن تمامی کانال‌های مسالمت‌آمیز انتقال درخواست‌های ساخت اجتماعی به ساخت سیاسی و لاجرم ایجاد حد بالایی از فشرده‌گی اجتماعی شد که بحران مشارکت سیاسی در سطوح میانی و بالا را در پی داشت. در این مقطع از تاریخ، ایران به سوی امتناع از توسعه رفته است، یعنی شرایطی پیش آمده است که اصولاً اجازه نمی‌دهد فرایند توسعه حقوق سیاسی شهروندی شکل بگیرد و حرکت‌های گسسته و

مقطعی جامعه در این زمینه متوقف شده است. در نتیجه جامعه به جامعه توده‌وار و بی‌شکل مبدل شده است. در واقع این دولت در برابر کاهش اقتدار خود و رشد جامعه مدنی و اقتدار آن و در نهایت تحقق مدرنیته سیاسی مقاومت کرد که نقض آشکار قانون اساسی و حقوق سیاسی شهروندی است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اسمیت برایان، کلاوی (۱۳۸۴). **فهم سیاست جهان سوم**، ترجمه حاجی یوسفی و قاننی نجفی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۷). «توسعه سیاسی و جامعه مدنی»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، تهران: ش ۱۲۷ و ۱۲۸.
۳. استوارت، میل جان (۱۳۸۵). **رساله‌ای در باب آزادی**، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، ج پنجم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. افضلی، رسول (۱۳۸۵). «دولت مدرن در ایران»، (مجموعه مقالات)، مؤلف جمعی از اساتید و کارشناسان علوم سیاسی، قم: دانشگاه علوم انسانی مفید.
۵. آرنت، هانا (۱۳۶۶). **توتالیتریزم**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.
۶. بشیریه، حسین (۱۳۸۶). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، ج هشتم، تهران: نشر نگاه معاصر.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۱). **دباجه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، تهران: نشر نگاه معاصر.
۸. باریه، موریس (۱۳۸۳). **مدرنیته سیاسی**، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: آگه.
۹. پوچیجان، فرانکو (۱۳۷۷). **تکوین دولت مدرن**، ترجمه بهزاد باشی، تهران: آگه.
۱۰. دورژه، موریس (۱۳۷۴). **اصول علم سیاست**، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: اقبال.
۱۱. دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۷). «گزارش مقاله جمهوریت و شعارهای انقلاب، همایش جمهوریت و انقلاب اسلامی»، **کیهان اندیشه**، ش ۷۹.
۱۲. رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵). **جهانی شدن، نظریه‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی**، ترجمه کمال پولادی، تهران: ثالث.
۱۳. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۵). **آزادی‌های عمومی و حقوق بشر**، ج دوم، تهران: نشر دانشگاه تهران.
۱۴. ضیایی‌پرو، حمید (۱۳۸۶). **جنگ نرم**، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
۱۵. عظیمی، حسین (۱۳۷۸). **ایران امروز در آینه مباحث توسعه**، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۱۶. کوزر، لوئیس آلفرد و روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۷). **نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی**، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
۱۷. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷). «بحران‌شناسی رسانه‌ای، رسانه و قدرت نرم در قرن بیست»، تهران: **فصلنامه مرکز تحقیقات و مطالعات صداوسیما**.
۱۸. فالکس، کیث (۱۳۸۱). **شهروندی**، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
۱۹. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰). «موقعیت دولت و شهروندان در عصر جهانی شدن»، **فصلنامه سیاست خارجی**، ش ۵۹.
۲۰. کوزر، لوئیس؛ برنارد، روزنبرگ (۱۳۸۷). **نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی**، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
۲۱. کوهن آلوین، استانفورد (۱۳۸۶). **تنوری‌های انقلاب**، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: ققنوس.
۲۲. کوزر، لوئیس؛ برنارد، روزنبرگ (۱۳۸۷). **نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی**، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
۲۳. لپسیت، مارتین (۱۳۸۳). **دایره‌المعارف دموکراسی**، ترجمه کامران خانی و نورالله مرادی، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
۲۴. لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش.

۲۵. و لوبون، گوستاو (۱۳۶۹). روان‌شناسی توده‌ها، ترجمه کیومرث خواجوی‌ها، تهران: روشنگران.
۲۶. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۶۸). روزنامه‌نگاری (با فصلی جدید در بازنگری روزنامه‌نگاری معاصر)، با همکاری دکتر ابوالقاسم منصفی، تهران: سپهر.
۲۷. مرکز پژوهش‌های اسناد ریاست جمهوری (۱۳۸۷). دولت ایرانی اسلامی؛ سیری در مبانی و مؤلفه‌های تکوین دولت بومی در آرای دکتر احمدی‌نژاد، تهران: مرکز اسناد ریاست جمهوری.
۲۸. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه میلاد ثلاثی، تهران: نشر علم.
۲۹. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: میزان.

ب) سایت‌ها و خبرگزاری‌ها

۳۰. وزیری، شاهرخ (۲۰۱۱). گذار به دموکراسی و مشکلات آن قابل دسترسی در سایت: www.shahrokhvaziri.org.
۳۱. Zim_Sit_Rep_M_News_Day_Zimbabwe (July 17, 2016), what are political rights? Source: فعالیت جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ممنوع شد. www.alarabiya.net Apr 19, 2010، قابل دسترسی در سایت: www.yjc.ir
۳۲. روحانی و احمدی‌نژاد در قبال احزاب چه کردند؟ کد خبر: ۵۴۲۱۵۳۷، ۲۷/آذر/۱۳۹۴، قابل دسترسی در سایت: www.yjc.ir
۳۳. خوب و بد «پارانه احزاب» /خطر دولتی شدن پیش پای احزاب، جمعه ۱۳ اسفند ۱۳۹۵، کد خبر ۲۹۲۱۹، قابل دسترسی در سایت: <http://www.khabaronline.ir/detail/642306/Politics/parties>.
۳۴. سایت وزارت کشور، بخش احزاب و تشکل‌های صنفی. ۹۶/۲/۲۳. قابل دسترسی در سایت: <https://www.moi.ir/>.
۳۵. صفار هرنندی: در دولت‌های نهم و دهم هیچ روزنامه‌ای تعطیل نشد+جدول روزنامه‌های توقیف شده، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۳، کد خبر: ۲۴۲۵۷۳، قابل دسترسی در سایت: www.aftabnews.ir.
۳۶. توقیف ۴۶ نشریه در کارنامه دولت دهم، ۱۰/آذر/۱۳۹۲، کد خبر: ۸۰۹۳۰۰۵۳، قابل دسترسی در سایت: <http://www.irna.ir>
۳۷. تیراژ روزانه مطبوعات باید هفت میلیون نسخه باشد، ۱۳۹۰/۰۸/۰۳، کد خبر ۱۹۲، قابل دسترسی در سایت: <http://cmmagazine.ir>
۳۸. عفو بین‌المللی و عرصه سوم بیانیه مطبوعاتی، خطر نابودی سازمان‌های مستقل جامعه مدنی، ۰۴/آوریل/۲۰۱۱، قابل دسترسی در سایت: <https://www.amnesty.org/download>
۳۹. آیا احمدی‌نژاد افشاگری‌های خود را شروع کرد؟ ۱۲/ تیر/ ۱۳۹۰، کد خبر: ۳۰۳۱۴ قابل دسترسی در سایت: <http://www.entekhab.ir/fa/news>
۴۰. ماهواره در نگاه رؤسای جمهور ایران: از هاشمی تا خاتمی و احمدی‌نژاد، ۰۷/ ۱۰/ ۱۳۹۲، قابل دسترسی در سایت: <http://www.parsnews.com>
۴۱. سامانه اطلاعات نشریات کشور، اداره کل مطبوعات (۱۳۸۸). قابل دسترسی در سایت: www.e-rasaneh.ir
- سایت وزارت کشور. www.moi.ir
۴۲. روحانی و احمدی‌نژاد در قبال احزاب چه کردند؟ ۲۷/ آذر/ ۱۳۹۴، کد خبر ۵۴۲۱۵۳۷، قابل دسترسی در سایت: www.yjc.ir
۴۳. آزادی احزاب در دولت روحانی و احمدی‌نژاد، ۳۰/آبان/ ۱۳۹۲، قابل دسترسی در سایت: www.khabaronline.ir

ج) خارجی

44. Arendt, Hannah (1951). **Totalitarianism, and the Social Sciences**, New York: Meridian Books
45. Bacharach, P, (1967). **the theory of democratic Elitism**, Boston.
46. Tusalem, R. F, (2002). "A Boon or a Ban? The Role of society in Third and fourth wave democracies", **International Political science Review**.
47. Janos Ki, T, (1998). **citizenship and civil society: A frame work of Rights and obligations in liberal Traditional and social Democratic Regime**, Cambridge university press.

48. Farzanegan, Mohammad Reza, (2009). Macroeconomic of populism in Iran: Online at <http://mpa.ub.uni-muenchen.de/15546/> Paper No. 15546, posted 4
49. Fisher, Julie (1998). **NGOs and the Political Development of the Third World**, place of publication West Hartford, con; Kumaran Press Books on International Development).
50. Kymlicka, Will (1995). **Multicultural citizenship: a liberal theory of minority right**, New York, Oxford University Press
51. Kornhauser, William (1959). **The politics of mass society**, International library of sociology and social reconstruction, Publisher, University of Michigan.
52. Rush, M, Politics and Society: An Introduction to Political Sociology, Prentice Hall, 1992, pp. 228.
53. Durkheim, Emile (1994). **Division of Labor in Society**, torn. By W. D.Hall, London: Macmillan
54. Marshall, T.H, (1994). **Citizenship and social class**, Cambridge: Pluto press.
55. Shils, E, (1962). **The Theory of Mass Society**, New York: Free Press.